

همبستگی با مزدبگیران بخش صنایع نفت و پتروشیمی در ایران



اطلاعیه سندیکاهاى فرانسوى

از ۱۹ ژوئن بیش از ده هزار کارگر حدود ۷۰ شرکت پروژه ای و پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی در جنوب ایران در اعتصاب به سر می‌برند. قراردادهای آن‌ها موقتی است یا فاقد هر نوع قراردادی هستند.

خواست‌های آن‌ها عبارتند از:

- افزایش حقوق به ۱۲ میلیون تومان (معادل ۴۰۰ یورو)؛
- پرداخت فوری حقوق معوقه؛
- بهبود شرایط محیط کار و رعایت استانداردهای ایمنی محیط کار،
- ده روز استراحت در ازای بیست روز کار (محل زندگی و کار

کارگران بسیار دور از خانواده‌ها خود بوده، و شدت گرمای هوا تا ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد؛

▪ استخدام مستقیم همه کارگران موقت با قراردادی مشابه کارگران دائمی؛

▪ قطع پیمانکاری

▪ بازگشت به کار همه کارگران اخراجی؛

▪ لغو کلیه قوانین ویژه "مناطق اقتصادی ویژه"؛

▪ خدمات درمانی و آموزشی رایگان، ایجاد مسکن شایسته زیست با خانواده؛

▪ حق تجمع، اعتصاب و ایجاد تشکلات مستقل از حکومت؛

کارگران موقت اعتصابی "شوراهای اسلامی کار" ایجاد شده توسط حکومت را نمی‌پذیرند، تشکلاتی که قرار است آن‌ها را نمایندگی کند، آن‌ها اعلام می‌کنند: «این شوراهای ابزارهای کنترل کارگران بوده و در خدمت صاحبان شرکت‌ها هستند». آن‌ها هم چنین می‌افزایند: «همانند همکاران مان در نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و دیگر شرکت‌ها ما هیچ‌گاه ایجاد "شوراهای اسلامی کار" را نمی‌پذیریم و "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" صدا ما، نماد وحدت ما و کارگران است.

ما سازمان‌های سندیکایی فرانسه، پا به پای اکثریت مردم ایران، و همراه با ایرانیان در سراسر دنیا، حمایت کامل خود را از مزدبران در حال مبارزه در ایران اعلام می‌کنیم.



کنفدراسیون فرانسیوی دموکراتیک کار (س اف د ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

فدراسیون سندیکائی متحد (ا ف ا س او - فرهنگیان)

اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)

اعتصاب کارگران پیمانی در منطقه عسلویه



گفتگو با یک کارگر اعتصابی در عسلویه

آنچه در ذیل می خوانید متن گفت و گوی یکی از فعالین اتحاد بین المللی با یک کارگر اعتصابی شاغل در شرکت پیمانی در منطقه عسلویه است. گفتگو از طریق تماس تلفنی انجام گرفت و ضبط شد. سپس متن نوشتاری آن تهیه و برای ملاحظه و احتمالاً اصلاح و تغییر برای ایشان ارسال شد که حاصل نهایی آن رفت و برگشت ها متن زیر است. به دلیلی که نیاز به گفتن ندارد، ایشان نخواست که نام واقعی گفتگو کننده آورده شود و ما نیز درست ندیدیم که متن را با نام مستعار منتشر کنیم.

از اینکه پذیرفتی تا با هم گفتگو کنیم، تشکر می‌کنم. از خودت بگو؛ چند سال است در عسلویه کار می‌کنی و شغلت چیست؟

من هم از شما تشکر می‌کنم به خاطر این گفتگو. حدود 5 سال در عسلویه کار کرده‌ام؛ یک دوره سه ساله و یک دوره دوساله، و الان هم حدود چند ماه است که برگشته‌ام و با یک شرکت پیمانی کار می‌کنم. کارم رنگزنی قسمت اورهال است که کار تخصصی محسوب می‌شود. در این پنج سال با شرکت‌های پیمانی مختلف کار کرده‌ام و در کمپ‌های مختلف بوده‌ام. شاید فکر کنی که پنج سال کار کردن در این منطقه، سابقه کاری زیادی نیست، ولی باید در نظر بگیری که با توجه به شرایط کار، وضعیت کمپ‌ها و گرمای سوزان منطقه، پنج سال، زمان زیادی است و شاید یک سابقه کاری متوسط در اینجا به حساب بیاید. فقط یک نفر را می‌شناسم که سابقه کارش حدود بیست سال است. اسمش آقای رحیمی است و انسان بسیار محترمی است. به خاطر همین سابقه و شخصیت‌اش اسم یکی از کمپ‌ها در این جا یعنی همان کمپی که او در آنجا زندگی می‌کند را گذاشته‌اند کمپ رحیمی.

یکی از خواسته‌های اصلی که برایش اعتصاب کرده‌اید، افزایش دستمزدهاست. سطح دستمزد کارگران شرکت‌های پیمانی بطور تقریبی چقدر است؟

اول این را بگویم که در آغاز اعتصاب بعضی‌ها از سر بی‌اطلاعی، خبرهایی پخش کردند مبنی بر اینکه یکی از خواسته‌های ما افزایش دستمزد تا 12 میلیون تومان است، که درست نبود. البته بعداً اصلاح شد و گفتند که این عدد، کف درخواست افزایش دستمزدهاست. همچنین خبر نادرست دیگری هم پخش شد که باز هم ناشی از بی‌اطلاعی بود. گفته شده بود که کارگران پیمانی پالایشگاه نفت در عسلویه نیز به اعتصاب پیوسته‌اند. این در صورتی است که اصلاً در عسلویه

پالایشگاه نفت وجود ندارد. اینجا پالایشگاه‌های گاز و انواع و اقسام شرکت‌های پتروشیمی فعالیت می‌کنند. در پاسخ به پرسش تو باید بگویم که در این شرکت‌های پیمانی سه گروه و یا سه رده شغلی از کارگران مشغول به کارند: اول کارگران خدماتی یا کارگران ساده که شامل به اصطلاح نظافت‌گران هم می‌شود. دستمزد اینها 5/4 میلیون تومان است. اینها می‌خواهند که حقوقشان به 8 میلیون تومان افزایش یابد. دوم کارگران نیمه‌ماهر مانند کارگران ابنیه هستند که حقوقشان بین 7 تا 8 میلیون تومان است. اینها می‌خواهند که حقوقشان به 12 میلیون تومان افزایش یابد. و سوم کارگران ماهر، مانند جوشکارها یا کارگران تاسیسات است و یا کاری که من انجام می‌دهم یعنی رنگ‌کاران قسمت اورهال که دستمزدشان ماهانه حدود 13 میلیون تومان و یا بیشتر است. اینها درخواستشان افزایش دستمزد به 17 میلیون تومان است. لازم است تاکید کنم که خواست ما این است که این حقوق باید جدا از مزایا باشد، یعنی مزایا جزو حقوق ثابت به حساب نیاید. خواست دیگر ما تناوب بین کار و مرخصی است. در حال حاضر ما 24 روز در ماه کار می‌کنیم و 6 روز مرخصی داریم. خواست ما این است که این تناوب به 20 روز کار و ده روز مرخصی تغییر یابد. اینها خواسته‌های اصلی است. این را هم بگویم وقتی من به همکاران کارگرم مثلا در تهران می‌گویم ما 6 روز در ماه مرخصی داریم، می‌گویند خب این که خیلی خوب است؛ 6 روز مرخصی در ماه! اما نمی‌دانند که ما اینجا چه می‌کشیم. کار و شرایط اینجا را نمی‌دانند. وضع کمپ‌های اینجا، گرمای کشنده و از هزار مشکل دیگر در اینجا خبر ندارند. مثلا نمی‌دانند که من مجبورم بعد از کار روزانه، به مدت طولانی با تینر، گرده‌های رنگ را که به مخاط بینی‌ام چسبیده را پاک کنم و تازه بعد از آن سردرد شدید شروع می‌شود که گاهی تا سه ساعت ادامه می‌یابد.

می‌توانی بطور تقریبی بگویی که کلا تعداد کارگران پیمانی در عسلویه چقدر است و چه درصدی از کارگران در اعتصاب شرکت کرده‌اند. آیا برآوردی از نسبت کارگران خدماتی و نیمه‌ماهر و ماهر که از آنها صحبت کردی داری؟

تعداد دقیق کارگران شاغل در شرکتهای پیمانی در عسلویه را نمی‌دانم، اما برآوردم این است که بین 8 تا 10 هزار کارگر بطور پیمانی و یا پروژه‌ای در عسلویه کار می‌کنند و یا بهتر است بگویم که کار می‌کردند، چون الان در اعتصاب به سر می‌برند. اما در رابطه با نسبت بین گروه‌های کارگری، شاید بهترین کار این باشد که من از کمپی که در آن هستم شروع کنم، آن وقت یک تصویر کلی به دست می‌آید. در این کمپ حدود 400 نفر ساکن هستند. از اینها حدود 200 نفرشان کارگران ماهر هستند. حدود 150 نفر کارگر نیمه‌ماهر و بقیه یعنی حدود 50 نفر نیز کارگران خدماتی هستند. این تناسب در کمپ‌های دیگر هم تقریباً به همین گونه است. بنابراین می‌توانم بگویم که کارگران ماهر و نیمه ماهر تقریباً 90 درصد کارگران را تشکیل می‌دهند.

از همان اوایل اعتصاب بیش از 90 درصد کارگران به اعتصاب پیوستند. این رقم حالا به 100 درصد رسیده است زیرا حالا دیگر همان چند درصدی که در روزهای اول به سر کار می‌رفتند دیگر نمی‌روند به این دلیل که اصولاً دیگر کاری وجود ندارد. این کسانی که اوایل سرکار می‌رفتند بیشترشان از کارگران خدماتی بودند، کارگر ساده بودند و همانطور که گفتم پایین‌ترین حقوق را می‌گیرند و می‌ترسیدند که کارفرما اخراج‌شان کند و به راحتی کسان دیگری را به جای آنها استخدام کند. در این رابطه، یعنی رفتن عده‌ای از کارگران به سرکار، شاهد صحنه‌های بسیار آزاردهنده‌ای بودم: صبح زود سر ساعت 6 در کمپ شاهد بودم که حدود 150 نفر از کارگران، بطور دستجمعی کنار هم ایستاده‌اند و رو به چند نفری که هنوز سر کار می‌رفتند، داد می‌زدند "بی‌شرف، بی‌شرف". خیلی آزاردهنده و تاسف‌آور بود. ما را وادار کرده بودند

که در مقابل هم بایستیم. آن فریاد زدن‌ها از طرف 150 نفر از یک لحاظ اراده راسخ آنها به تداوم اعتصاب را نشان می‌داد اما از سوی دیگر بد بود، نادرست بود. چون این کارگرانی که به سر کار می‌رفتند واقعا به پول یک تخم‌مرغ محتاج بودند. بعدا که با آنها صحبت کردیم می‌گفتند ما می‌ترسیم، ما که مثل شما تخصص نداریم، کارفرما می‌تواند فورا ما را اخراج کند و افراد دیگری را به جای ما استخدام کند. می‌گفتند ما دلمان با شماست و می‌خواهیم اعتصاب موفق شود. به هر حال همان‌طور که گفتم این‌ها هم بعدا سرکار نرفتند.

پیش از آنکه به اعتصاب بپردازیم می‌خواستیم بدانم اصولا چه تعداد از این کمپ‌ها در منطقه عسلویه وجود دارد و در هر کمپ چند نفر می‌خوابند و امکانات رفاهی و بهداشتی آنها چگونه است؟

تعداد کمپ‌ها خیلی است. از اینجا تا کنگان پراست از این کمپ‌ها. چند صد کمپ وجود دارد. تعداد کارگران ساکن هر کمپ متفاوت است. در بعضی از این کمپ‌ها حدود 500 نفر کارگرساکن هستند. در کمپ ما حدود 400 نفر زندگی می‌کنند. امکانات کمپ‌ها حداقل هم نیست، چیزی در حدود صفر است. مثلا کمپ ما شامل 40 اتاق است. در هر اتاق 9 نفر کنار هم بر روی کف اتاق که با موکت زبر و کهنه پوشیده شده می‌خوابیم. به هر نفر یک متر جا می‌رسد و هنگام خواب، ناخود آگاه پای یکی روی سر دیگر می‌خورد... در این کمپ 400 نفره فقط چهار سرویس بهداشتی و 5 دوش وجود دارد. ساعت 6 صبح می‌رویم سرکار و ساعت 7 عصر، کار تمام می‌شود و تا برسیم به کمپ، می‌شود ساعت هفت و نیم عصر. حسابش را بکنید که بعد از یک روز کار طولانی آن هم در محیط‌های معمولا آلوده حالا می‌خواهی لباس‌های عرق خورده‌ات را در بیاوری و در حمام، دوش بگیری. به هر نفر دو دقیقه هم وقت نمی‌رسد. وقتی یک نفر در حال دوش گرفتن است ده نفر دیگر در صف منتظر ایستاده‌اند و مرتبا از او می‌خواهند که زودتر تمام کند. تقصیر هم ندارند، تعداد دوش‌ها به

نسبت این همه آدم خیلی کم است. این وضعیت امکانات کمپهاست. گاهی وقتها گزارشهایی که از وضعیت زندانها میخوانم و یا میشنوم و آن را مقایسه میکنم با وضعیت خودمان در این کمپها، میبینم تفاوت زیادی بین این کمپها و آن زندانها وجود ندارد. نمیدانم، شاید اصلا وضع زندانها بهتر باشد.

این را هم اضافه کنم که علاوه بر کمپهای کارگری، در اینجا کمپهایی هم برای مهندسان و کارمندان شرکتها وجود دارد که وضعیتشان متفاوت است. امکانات خوبی دارند و معمولا تعداد ساکنان در هر خوابگاه حدود ده نفر است.

با توجه به وضعیت کمپها و کمبود امکانات و یا نبود آن، رابطه کارگران با هم در این کمپ چه طور است؟

همان طور که گفتم صبح ساعت 6 سوار سرویس میشویم و میرویم سر کار و عصر ساعت حدود هفت و نیم برمیگردیم به کمپ. تا دوش بگیریم، لباسهایمان را بشوئیم و شام بخوریم، زمان گذشته است. ساعت بین 9 تا 10 شب هم میگیریم میخوابیم، یا بهتر است بگویم که از فرط خستگی از پا میافتیم. البته بعضی مواقع نیز با هم گپ میزنیم، شوخیها و بگو و بخندهایی هم داریم.

وضع غذا چطور است؟

غذای کارگران به حساب کارفرماهاست. صبحانه معمولا شامل نان و یک تکه کوچک پنیر یا یک بسته کوچک مربا و کره است. نهار تقریبا خوب است و سیر میشویم، و شام هم چطوری بگویم، زیاد بد نیست. تصور نکنی که سالن غذاخوری داریم. نه، غذا در کیسههای پلاستیکی به دستمان داده میشود و کارگران باید گوشه‌ای پیدا کنند و بنشینند و غذا بخورند.

به اعتصاب برگردیم. اعتصاب چطور شروع شد؟ با توجه به اینکه کارگران پیمانی و یا پروژه‌ای در استخدام شرکت‌های مختلف هستند و در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های مختلف و تقریباً دور از هم کار می‌کنند، چگونه توانستید به طور همزمان و سراسری دست به اعتصاب بزنید؟

همانطور که می‌دانید اعتصاب از روز 29 خرداد ماه شروع شد و جرقه آن را کارگران جوشکار زدند. کارشان جرقه زدن است دیگر. سال گذشته نیز این کارگران جوشکار بودند که اعتصاب را شروع کردند و توانستند به بخشی از خواسته‌هایشان برسند؛ مثلاً یک میلیون تومان به حقوقشان اضافه شد. درست است که کارگران در پالایشگاه‌ها و شرکت‌های مختلف کار می‌کنند اما ما با هم ارتباط داریم. بگذار یک مثال بزنم: برای نمونه خود من در شرکت‌های مختلف کار کرده‌ام و در طول این سال‌ها با کارگران مختلف که حالا در شرکت‌های دیگر در اینجا کار می‌کنند آشنا و دوست شده‌ام و با هم ارتباط داریم. به علاوه فعالین کارگری از کمپ‌های مختلف با یکدیگر تماس دارند، همدیگر را از نزدیک می‌شناسند و بطور کلی از وضعیت کاری در شرکت‌های مختلف اطلاع دارند. در کنار همه اینها تا همین چند مدت پیش ما یک کانال تلگرامی داشتیم که بالای 4000 نفر عضو داشت و تنها کارگران اینجا، آن هم با ارائه شماره پرسنلی خود می‌توانستند عضو شوند. الان هم گروه‌های مختلف تلگرام و واتساپ داریم. خب برای سازماندهی این اعتصاب، از همه این راه‌ها و امکانات و ارتباطات استفاده شده است. این را هم بگویم که وقتی کارگران وضعیت خود و همکاران خودشان را در سراسر منطقه می‌بینند، واضح است که احساس همبستگی و یکی بودن می‌کنند. وقتی سر کار به همکارت می‌گویی که حال جسمی‌ام خوب نیست، دل‌درد و سردرد دارم و فکر می‌کنم که به خاطر غذایی است که به ما داده‌اند و او جواب می‌دهد که من هم از وقتی که آن غذا را خورده‌ام حالم خوب نیست و درد دارم، دیگر لازم نیست که حالا کسی بیاید

و برایمان توضیح دهد که ما درد مشترک داریم. خود دردها، فریاد میزنند که مشترکند و علت مشترک دارند. بنا براین این سؤال برایمان پیش می‌آید که حالا باید برای این دردهای مشترک چه کاری انجام دهیم. اعتصاب یکی از این کارهاست. کارگران پیمانی نمیتوانستند این وضعیت را بیش از این تحمل کنند. به همین دلیل دست به اعتصاب زده‌ایم.

با توجه به این توضیحات، میتوان دریافت که این اعتصاب از نوعی سازماندهی برخوردار بوده و هنوز هم برخوردار است. پرسش این است که چرا در این اعتصاب ما شاهد تجمع‌های اعتراضی و یا راهپیمایی توسط کارگران اعتصابی نبودیم؟ آیا از همان ابتدا قرار بر این شده بود که تجمع و یا راهپیمایی صورت نگیرد؟

تا آنجا که من میدانم چنین قراری گذاشته نشده بود. بر عکس در همان اوایل اعتصاب ما عده‌ای از فعالین کارگری در تدارک برگزاری راهپیمایی و تجمع بودیم. اما فرصت نشد و نتوانستیم. در همان زمان که ما در تدارک این کار بودیم خبر به دلایلی که نمیدانم به بیرون درز کرد. زیرا طولی نکشید که از سوی امام جمعه اینجا به ما خبر دادند که او میخواهد دیداری با نمایندگان کمپهای کارگری داشته باشد. درخواست شده بود از هر کمپ یک و یا دو نفر در این جلسه شرکت کنند. من به عنوان نماینده از کمپ خودمان رفتم. حدود 12 و یا 13 نفر نماینده از کمپهای دیگر هم آمده بودند. بعد از تعارفات اولیه، امام جمعه گفت: در این اعتصاب حق با شماست و من از حق شما دفاع میکنم. دولت کلی به این شرکت‌های خصوصی پول میدهد و اینها به جای اینکه پولی را که بابت کار شما از دولت میگیرند به شما بدهند، بخش زیادش را بالا می‌کشند. شما هم اعتراض و اعتصاب کرده‌اید که حق دارید. اما باید بدانید اگر به خیابان بیایید و راهپیمایی کنید، به ضرر خود شما تمام خواهد شد. گفت معاندین و رسانه‌های خارج از کشور مانند بی‌بی‌سی و من و تو و... از این عمل شما علیه نظام استفاده میکنند، شما نباید

بها نه به دست دشمنان بدهید. خلاصه اینکه هشدار داد و تهدید کرد.

پاسخ شما به امام جمعه چه بود ؟

به او گفتم من به عنوان نماینده کارگران نمیتوانم در این جا از سوی کارگران بگویم که آنها قصد دارند راهپیمایی بکنند و یا نه، چون چیزی از تصمیم آنها نمیتوانم و بنا بر این نمیتوانم در این مورد نظر بدهم. گفتم اصولاً کارگران به من نمایندگی نداده اند تا در این مورد با شما و یا هر شخص و یا ارگان دیگر گفتگو کنم، اما نظر شخصی من این است که اگر کارگران تصمیم بگیرند که راهپیمایی بکنند، نه من و نه هیچ کس دیگر نمیتواند مانعشان شود؛ مثل سیل میریزند بیرون. خود من هم اگر ببینم 50 نفر کارگر در خیابان دست به راهپیمایی زده اند و خواسته های مرا میگویند، من هم به آنها میپیوندم.

در همان روزهای اول اعتصاب تعداد زیادی از کارگران اعتصابی تصمیم گرفتند که به جای ماندن در کمپها به شهرستانها و به طور کلی به محل سکونت خود برگردند. آیا این تصمیم درست بود؟ در حال حاضر چه تعداد از کارگران هنوز در کمپها مانده اند؟

به نظر من تصمیم خالی کردن کمپها، ترک منطقه و برگشت به خانه اشتباه بود. کارگران باید در کمپها میمانند و خواسته های خود را همین جا دنبال می کردند. به دلایلی که نمیتوانم در اینجا به آن پردازم در این مورد هماهنگی وجود نداشت. به یک باره این نظر پا گرفت که برای ادامه اعتصاب، بهتر است که کارگران برگردند به محل سکونتشان. در همان روزهای اول، موج ترک عسلویه شروع شد، به نحوی که دیگر بلیط اتوبوس پیدا نمیشد. عده ای از کارگران شب را در ترمینال می خوابیدند که شاید روز بعد بتوانند برگردند. در همان روزهای اول از 400 کارگر در کمپ ما فقط 25 کارگر در کمپ ماندند و

همین حالا که من با شما صحبت می‌کنم فقط 9 نفر از ما باقی مانده‌ایم. در کمپ‌های دیگر نیز وضعیت کم و بیش همین گونه است. به علاوه، کارفرماها نیز از همان آغاز اعتصاب، ارائه غذا را در کمپ‌ها قطع کردند و کارگرانی که مانده بودند مجبور بودند خودشان برای خود غذا بخرند. سپس آب آشامیدنی کمپ ما و خیلی از کمپ‌های دیگر را قطع کردند. الان هم کارفرما به نگهبان کمپ که در واقع سرایدار اینجا محسوب می‌شده گفته که در عرض 24 ساعت عذر ما را بخواهد. من فردا دارم به عنوان مهمان نزد دوستانم در یک کمپ دیگر می‌روم. در ضمن کارفرما به طور شفاهی به من و عده‌ای دیگر گفته که اخراج هستیم.

آیا از اینکه کارفرما گفته اخراج هستی ناراحت و یا نگران نیستی؟ دستمزدی که از او طلب داری چه می‌شود؟ اصولاً چگونه بدون تسویه حساب به شما گفته‌اند که اخراج هستید؟ اصلاً چرا حکم اخراج را بطور کتبی صادر نکرده‌اند؟

اینکه چرا بطور کتبی یعنی رسماً حکم اخراج را صادر نکرده‌اند دلیلشان این است که شرایط عادی نیست و ما کارگران را مسئول بوجود آمدن این شرایط میدانند. ناراحت و یا نگران نیستم. به این راحتی نمیتوانند ما را اخراج کنند. در رابطه با مورد خودم به دلیل تخصصی که دارم میدانم بعد از اعتصاب حتی اگر کارفرمای کنونی اخراج کند، به راحتی در شرکت دیگر کار پیدا می‌کنم. این‌ها به ما احتیاج دارند. در رابطه با تسویه حساب هم باید بگویم خود آن یک روند بوروکراتیک دارد که باید طی شود، ولی به هر حال مجبور هستند که طلب‌ها را پرداخت کنند.

غیر از قطع غذا و آب و اخراج کارگران، شرکت‌های پیمانی چه واکنش دیگری نسبت به این اعتصاب داشته‌اند؟ فکر می‌کنی چه برنامه‌ای در دستور کار خود داشته باشند؟

شاید جالب باشد که در همان روزهای اول اعتصاب، نمایندگان این شرکت‌های پیمانی با ما تماس گرفتند

و خواستند که دست از اعتصاب بکشیم. مثلا در شرکتی که من کار می‌کنم مدیر عامل شرکت آمد و گفت این اعتصاب به ضرر خود شماست. گفت هدف این است که شرکت‌های خصوصی را از این طریق از سر راه بردارند. گفت به طور مثال ما اگر نتوانیم کارها را طبق برنامه زمانی به دلیل همین اعتصاب‌ها به اتمام برسانیم آن وقت دیگر نمی‌توانیم در مناقصه‌های دیگر شرکت کنیم و کارهایی را که الان ما انجام می‌دهیم به طور کلی می‌افتد به دست سپاه پاسداران و وزارت دفاع و شما کارگران با سپاه سر و کار خواهید داشت. خلاصه حرف اش این بود که ما یعنی شرکت و کارگران می‌توانیم به نوعی در مورد دستمزدها با هم کنار بیاییم و بنابراین بهتر است اعتصاب را بشکنید. اما همانطور که می‌دانید اعتصاب ادامه یافته و در حال گسترش بوده است. اصولا با این استدلال‌ها نمی‌توانند کارگران را وادار کنند که به این شرایط برده‌وار، تن بدهند. اصولا اگر قرار باشد ما با این شرایط و با این دستمزدها کار کنیم، برایمان اصلا مهم نیست که حالا کسانی که ما را استثمار می‌کنند چه کسانی هستند؛ سپاهی هستند و یا غیرسپاهی.

اعتصاب چه مدت ادامه خواهد داشت و تا چه حد انتظار داری که این اعتصاب با پیروزی شما به پایان برسد؟

اعتصاب همانطور که اعلام کرده‌ایم تا اول مرداد ادامه خواهد داشت. درباره موفقیت آمیز بودن اعتصاب، من خیلی خوشبین هستم. روحیه کارگران بطور باورنکردنی بالاست و اراده راسخ دارند که تا رسیدن به خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه دهند. این اعتصاب، پیروزمند خواهد بود. من در این مورد تردید ندارم.

آیا برای این خوشبینی، غیر از روحیه بالای کارگران و اراده راسخ

آنان، دلیل دیگری هم داری؟

بله. غیر از موضوع روحیه و عزم و اراده بالای کارگران، دلایل دیگری هم برای این خوشبینی دارم. همانطور که قبلا اشاره کردم اکثر قریب به اتفاق کارگرانی که دست به اعتصاب زده‌اند، کارگران ماهر و یا نیمه‌ماهر محسوب می‌شوند. درست است که کارفرماها به دلیل موقت بودن قراردادهای ما از لحاظ حقوقی می‌توانند همه ما را اخراج کنند، اما بعد چه؟ ما که کارگران به اصطلاح ساده نیستم که اینها ما را اخراج کنند و فردا یک آگهی برای استخدام بزنند و با توجه به سطح بیکاری، چندین برابر مورد نیاز خود درخواست تقاضای کار به دستشان برسد. در این کشور آن قدر کارگر متخصص و بیکار وجود ندارد که جایگزین ما بشود. یک مثال دیگر می‌زنم. کاری که من و همکاران من یعنی رنگ‌کاران قسمت اورهال انجام می‌دهیم را قبلا کارگران فرانسوی در این جا انجام می‌دادند. و یا جوشکاری آرگون را تنها تعداد معینی در این کشور می‌توانند انجام دهند. بطور کلی بسیاری از کارهای تخصصی را که ما اعتصاب‌کنندگان انجام می‌دهیم را نمی‌توانند جایگزین کنند. به علاوه کارهای تخصصی به هم ربط دارند. مثلا در یک شرکت حتی اگر فیتربندها به سر کار برگردند اما به اندازه کافی جوشکار وجود نداشته باشد، کارها لنگ می‌ماند.

به یک عامل مهم دیگر هم باید تاکید کنم و آن اینکه درست است که ادامه اعتصاب برای ما کارگران که آه در بساط نداریم، خیلی سخت است، اما زیانی که هر روز اعتصاب ما به این شرکتها و پالایشگاهها می‌زند، ارقامش نجومی است. اینجا پای سودهای میلیاردی در میان است. محصولات بعضی از این شرکت‌های پتروشیمی چند صد میلیون تن است که علاوه بر تامین نیازهای داخلی، صادر هم می‌شود و بنابراین منبع ارز خارجی است. اینها برای مدت طولانی نمی‌توانند از این سودها و درآمدهای نجومی صرف نظر کنند. هر ثانیه اعتصاب ما از لحاظ مالی

زیان هنگفتی برای این‌ها به بار می‌آورد. بنا به همه این دلایل من خیلی خوشبین هستم. اگر اتحاد خودمان را حفظ کنیم قطعاً در این اعتصاب پیروز خواهیم شد.

همان‌طور که گفتی اکثر کارگران به محل زندگی خودشان برگشته‌اند و کمپها تقریباً خالی شده. حال اگر کارفرماها و یا دولت و یا هر ارگان دیگری بخواهد با شما مذاکره و گفتگو کند با چه کس و یا کسانی و چگونه باید تماس بگیرد؟

درست است که کارگران پیمانی، کمپها را خالی کرده و رفته‌اند، اما معنی‌اش این نیست که با همدیگر ارتباط ندارند. ما مسایل را دنبال می‌کنیم و از جمله از طریق شبکه‌های مجازی با یکدیگر تبادل نظر می‌کنیم. بنابراین، کانال ارتباطی بین کارگران وجود دارد و کارفرمایان و یا دولت هم میدانند که چگونه باید با ما ارتباط بگیرند. مانند همان امام جمعه‌ای که برای هشدار دادن نسبت به راهپیمایی، ما را پیدا کرد، دیگران یعنی کارفرمایان و یا دولت و یا هر ارگان دیگر نیز راه خودشان را بلدند.

لطفاً اگر ممکن است از کم و کیف فعالیت اقتصادی در منطقه و شرایط امنیتی در عسلویه، در پالایشگاه‌ها و شرکتهای برایمان بگو.

این منطقه به طور کلی از شمال به رشته کوه‌های زاگرس منتهی می‌شود و از جنوب هم به خلیج فارس می‌رسد. همان‌طور که در ابتدا گفتم اساس فعالیت‌های اقتصادی حول گاز می‌چرخد و اینجا خبری از نفت نیست. در قسمت شمالی، یعنی در منطقه کوهستانی پادگان و قرارگاه‌های نظامی قرار دارند. یگانه ویژه را هم اینجا داریم. در جنوب هم، مرزبانی دریایی وجود دارد که مرزهای دریایی را کنترل می‌کند. پالایشگاه‌ها و شرکتهای هم هر کدام بخش حراست دارند که از جمله کارشان این است که با ماشین‌های تویوتا و موتور سیکلت‌های بزرگ هر از چند گاه

مشغول گشت زنی هستند. در هر شرکت و یا پالایشگاه نیز دژبانی وجود دارد که ورود و خروج را کنترل می‌کند؛ مثلاً کارگران را بعد از اتمام کار و در موقع خروج، بازرسی می‌کنند تا چیزی را از شرکت بیرون نبرند. خلاصه این که در "امنیت کامل" به سر می‌بریم.

اعتصاب شما چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته. اهمیت حمایت‌های داخلی به نظرم روشن است. همبستگی و حمایت‌های بین‌المللی تا چه میزان برایتان مهم بوده است و آیا اصولاً از آنها اطلاع می‌یابید؟

بله از این حمایت‌های جهانی نیز اطلاع پیدا می‌کنیم؛ چه از طریق شبکه‌های مجازی و چه از طریق دیگر رسانه‌ها. این حمایت‌ها برایمان خیلی اهمیت دارد. وقتی می‌شنویم که کارگران و تشکلهای کارگری در آن سوی جهان متوجه شده‌اند که ما در اعتصاب هستیم و با ما اعلام همبستگی کرده‌اند، قوت قلب بیشتری می‌گیریم. این حمایت‌ها به ما روحیه می‌دهد.

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

۲ ژوئیه ۲۰۲۱

info@workers-iran.org

<http://www.etehadbinalmelali.com>

<https://twitter.com/IASWIinfo>

اعتصاب در ایران!



اعتصاب عمومی، پالایشگاه ها و میدان های نفتی جنوب ایران را فراگرفته است.

از سحرگاه اول اوت، شمار زیادی از کارگران پالایشگاه های نفت سنگین در قشم، پارسیان لامرد، پالایشگاه آبادان و پالایشگاه فازهای ۲۲ و ۲۴ کنگان - پارس جنوبی دست به اعتصاب زده اند.

کارگران و کارکنان میدان نفتی آزادگان شمالی از روز ۲۹ ژوئیه جهت اعتراض به دستمزدهای ناچیز و تهدید به اخراج از کار، اعتصاب کرده اند.

کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه که در گرمای نزدیک به ۵۰ درجه کار می کنند، از ۱۳ ژوئن اعتصاب کرده اند. چند ماه است که حقوق و دستمزد آنان پرداخت نشده است.

این اعتصاب ها در شرایط دشواری صورت می گیرد، زیرا رژیم ایران آزادی ها و حقوق سندیکائی منطبق با مقاوله نامه های بین المللی کار را که خود نیز امضاء کرده است، زیر پا می گذارد.

حکومت مطالبات حقوقی مزدبگیران را انکار کرده و تلاش می کند اعتصاب کنندگان را با تهدید و سرکوب خفه کند.

اما، فعالان از جمله با ایجاد صندوق ملی همبستگی مالی، برای کمک به اعتصاب کنندگان، به سازماندهی کارگران پرداخته اند.

در اوضاع حاد کنونی، فعالان کارگری ایران به اتحاد و همبستگی

همه اقشار مردمی دعوت می کنند تا صدای مطالبات به حق آن ها به گوش برسد.

سازمان های سندیکائی فرانسه:

کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFDT

کنفدراسیون عمومی کار CGT

فدراسیون سندیکائی متحد FSU

اتحاد سندیکائی متحد Solidaires

اتحادیه سندیکائی مستقل UNSA

از کارگران اعتصابی در ایران پشتیبانی می کنند.

ششم اوت ۲۰۲۰

به کارگران و توده های زحمتکش ایران!



پیام تشکلات کارگری:

اتحاد و تشکل طبقاتی را مستحکم کنیم، به مبارزه

ادامه دهیم !

بیش از پنجاه روز است که کارگران رزمنده نیشکر هفت تپه برای احقاق حقوق خود در اعتصابند. حدود پنج هزار کارگر نیشکر هفت تپه سازماندهی اعتراض خود را در شکل اعتصاب و تظاهرات خیابانی تا رسیدن به اهدافشان با عزمی استوار جزم کرده اند. کارگران بخش های مختلف هفت تپه با توافق یکدیگر و تقسیم کار میان خود، هم در کارخانه و کشتزار و هم در عرصه خیابان، در صف متحد به اعتراض به عملکرد ضد کارگری کارفرما و مدیران شرکت و مقامات محلی حکومت روی آورده اند. کارگران مبارز با خشم و تنفر طبقاتی نسبت به سیاست های ضد کارگری دولت و دستگاه سیاسی حاکم، با جسارت و تلاش خستگی ناپذیر در ادامه اعتصاب و مقاومت در مقابل بی توجهی مسئولان ثابت قدم بوده اند. کارگران نیشکر هفت تپه با طرح مخالفت علیه خصوصی سازی که معنایی جز به تاراج دادن و حیف و میل وسایل کار و زندگی هزاران کارگر و خانواده هایشان ندارد؛ با تلاش برای دستیابی به حقوق های پرداخت نشده و سایر مزایای شغلی از جمله بیمه تأمین اجتماعی و همچنین بازگشت به کار دوستان و همکاران اخراجی خود، پیشتاز مبارز طبقه کارگر در مقابل سرمایه داران، زمین داران و زمین خواران و حاکمیت سرمایه داری بوده اند.

مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه و پایداری آنها بخشی از اعتراضات و اعلام خواست های عمومی طبقه کارگر در کارخانه ها، کارگاه ها، معادن و دیگر مراکز کارگری - تولیدی، خدماتی، آموزشی و درمانی، کشاورزی در سراسر کشور است. فریاد کارگران نیشکر هفت تپه، طنین خشم سرکوب شد کارگران و اقشار زحمتکشی است که روز و شب استثمار و ستم اقتصادی و سیاسی سرمایه داری و عوارض اجتماعی و فرهنگی شوم آن را بر جسم و جان خود تحمل می کنند. نظام سرمایه داری و دستگاه سیاسی حاکم که حامی آن است عامل اصلی بدبختی و سیه روزی بیش از 90 درصد اهالی کشور و منشأ اصلی ستم و سرکوب طبقاتی، جنسی، مذهبی، ملی و قومی در جامعه اند، نظامی که فقر و سیه روزی، عقب ماندگی فرهنگی، و تاریک اندیشی، فساد و دزدی و دغلكاری را بر زندگی توده های زحمتکش تا اعماق جامعه بسط داده و مستولی کرده است. نظامی که برای حفظ منافع غارتگران طبقات دارا و سلط آنان بخش عظیم و روزافزونی از منابع کشور را صرف نظامی گری و سوداهای عظمت طلبان ارتجاعی در منطقه می کند.

رهایی از این شرایط نا به هنجار اجتماعی در گرو همصدایی و اتحاد هم نیروهای ستمدیده ای است که مناسبات سرمایه داری، آنها را به

یک نیروی هم درد، متحد و مبارز اجتماعی تبدیل کرده است. اکنون کارگران نیشکر پرچمدار مبارزه علیه خصوصی سازی، ریاضت کشی و مستمند سازی مردم از سوی دولت و مقابله با نمایندگان سیاسی حکومت می باشند. این یک درس بزرگ و پیامی رسا از طرف این بخش از طبقه کارگر به جنبش کارگری می باشد. تحت تاثیر بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی، شاهد برپایی اعتراضات و اعتصابات در بخش وسیعی از صنایع نفت و گاز و پتروشیمی های مناطق نفت خیز جنوب هستیم. کارگران حق طلب پالایشگاه آبادان، قشم، لامرد و بخش های وسیعی از پروژه های پارس جنوبی (عسلویه، کنگان، تنبک، طاهری، بیدخون) و پتروشیمی های ماهشهر و تأسیسات نفتی در خوزستان، بوشهر و منطقه پارسیان در استان هرمزگان و هپکو اراک، با اعلام نارضایتی از سیاست های اقتصادی دولت به صف مبارزه برای احقاق حقوق خود برپا خاسته اند. کارگران دریافته اند که راهی جز اعتصاب و مبارزه برای دستیابی به خواست های خود ندارند.

یکی از خواست های کارگران در این اعتراضات پرداختمزدها و مزایای عقب مانده است. دولت موظف است در صورت سرپیچی کارفرما از پرداخت حقوق های معوقه، پرداخت فوری دستمزد کارگران را برعهده گیرد.

کارگران!

نظام سرمایه داری و دستگاه سیاسی حامی آن دردهای بزرگ و روزافزونی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه ایجاد کرده اند. این دردها درد مشترک کارگران و زحمتکشان جامعه اند. درد مشترک درمان مشترک از سوی خود کارگران می طلبد و این درمان مشترک در مبارزات پیگیر و متحد کارگران تجسم می یابد. مبارزات پیگیر و مشترک جز با تشکل های مستقل کارگری میسر نیست، تشکل هایی که باید مستقل از کارفرما، دولت، نهادهای مذهبی و احزاب سیاسی باشند. از این رو تنها این مسیر می تواند به پیروزی برسد: مبارزات مشترک و اتحاد محکم برای تغییر اساسی شرایط موجود با وجود تشکل های مستقل کارگری. روند اعتراضات باید در تمام بخش های مختلف جامعه ادامه یابد و حلقه های متحدی از تمام اقشار زیر ستم جامعه به شکل یک جنبش سراسری در مقابل زورگویی، تبعیض و حق کشی و فساد و غارت گری حاکمیت سرمایه داران و زمین داران با قدرت به پیش برده شود.

کارگران نیشکر زمانی می توانند به خواست های اساسی خود دست یابند که به ویژه کارگران صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، معادن،

خودروسازی ها و در اتحاد با آنها معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، پرستاران، کشاورزان و هم‌اقتشار زحمتکش جامعه متحد و همسنگر آنها در عرصه جنبش سراسری اجتماعی قرار بگیرند. حاکمیتی که نمی‌خواهد به خواست‌های توده‌های مردم پاسخ گوید باید با مقاومت و مبارزه عمومی مردم مواجهه شود. تاریخ حیات سیاسی جمهوری اسلامی ارمغانی جز فقر، جنگ، کشتار و اعدام دربر نداشته است. باید با اعتصاب و اعتراض سراسری راه‌های تأمین منابع درآمد برای خرید تسلیحات نظامی و مخارج گسترده کردن سفره‌های رنگین و اشرافی و به جیب زدن سودهای کلان از مسئولان و چپاول گران فاسد گرفته شود. رژیم برای تهیه ارز و حفظ بنیه مالی خود به بهای تعطیل کردن کارخانجات بزرگ فولاد و ذوب آهن و بیکار سازی‌های گسترده به جای تأمین نیاز تولید داخلی و کار آفرینی و کاهش بیکاری در جامعه، اقدام به فروش مواد خام و منابع تأمین انرژی و سنگ آهن، معادن طلا و حتی اجاره دریاها و واگذاری آنها به شرکت‌های امپریالیستی چینی و روسی کرده است. محروم نمودن کارگران و زحمتکشان از مواهب اجتماعی و مسدود نمودن راه‌های تأمین معاش توده‌ها، و واگذاری امتیازهای اسارت بار به امپریالیست‌ها برای حفظ بقای خود، پاسخ رژیم به تخفیف بحران مرگ باری است که گریبان نظام اقتصادی و سیاسی حاکم را گرفته است. در سیاست داخلی نیز پاسخ جمهوری اسلامی چیزی جز تشدید فقر و تشدید سرکوب و شلاق و زندان نیست. در شرایط حاضر سیاست سرکوب رژیم موجب افزایش روحیه رزمندگی معترضان و به صحنه آمدن بخش وسیعی از طبقه کارگر گردیده است. تحریم‌ها کمبود منابع مالی و وخامت اقتصادی مشکل خود ساخته حکومت است و هیچ ربطی به طبقه کارگر و توده‌های زیر ستم ندارد و نباید سختی و فروپاشی را به کارگران تحمیل نماید. پاسخ کارگران تشدید اعتراض، همصدایی و اتحاد و ایجاد تشکل‌های محل کار و مراکز تولیدی، خدماتی و انسجام بخشیدن به مبارزات حق طلبانه است. اتحاد سراسری کارگران و سایر جنبش‌های اجتماعی ضرورتی است که باید در اولویت هر جنبش اعتراضی قرار گیرد.

کارگران پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و بندرامام

کارگران پروژه‌های پارس جنوبی

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

فعالان کارگری جنوب

جمعی از کارگران محور کرج تهران

15 مرداد 1399